

پرده نقره‌ای

نقش مولانا در فیلم «مست عشق»
به پارسا پیروزفر رسید



به نقل از روابط عمومی فیلم، حسن فتحی کارگردان «مست عشق» پارسا پیروزفر را به عنوان بازیگر نقش مولانا جلال‌الدین محمد بلخی برگزید و پیروزفر، به زودی جلوی دوربین خواهد رفت. پس از گمانه زنی‌های رسانه‌ای در روزهای اخیر با معرفی بازیگر نقش مولانا، پروژه «مست عشق» وارد مراحل پایانی پیش تولید خود شد. همانگونه که پیشتر اعلام شد، فیلم تولید مشترک ایران و ترکیه است و به برشی از زندگی شمس و مولانا در شهر قونیه می‌پردازد. مهرا ن برومند، تهیه‌کننده «مست عشق» است، فیلمنامه را فرهاد توحیدی و حسن فتحی نوشته‌اند و شهاب حسینی در نقش شمس تبری زی بازی خواهد کرد.

فیلم سینمایی سهراب سپهری
آماده نمایش شد

علی قوی‌تن، درباره فیلم سینمایی «رویای سهراب» گفت: «این فیلم درباره یک شاعر نامدار و محبوب ایران است و قطعا مردم دوست دارند در فیلمی از سهراب سپهری، روایتی از او ببینند که در تصوراتشان هست و از جهاتی هم ما ملزم هستیم که زوایای دیده‌نشده‌ای را از شخصیتی چون سهراب نشان بدهیم و این تقابل، کار فیلمساز را سخت می‌کند. فیلم «رویای سهراب» یک فیلم بیوگرافی نیست بلکه راوی زوایای پنهان و دیده نشده‌ای از سهراب سپهری است.

این کارگردان ادامه داد: «از سال ۹۰ دغدغهام بود و دوست داشتم فیلمی درباره «سهراب سپهری» بسازم. دلیل سال‌ها توقف و تععم من این بود که فکر کردم اگر کس دیگری این توان، دغدغه و تمایل را دارد، درباره سهراب فیلمی بسازد اما در نهایت قرع به نام خود من افتاد. آخر سال ۹۶ برنامه‌ریزی کردیم تا پیش تولید را شروع کنیم و در اواخر بهار ۹۷، فیلمبرداری فیلم پس از صدور پروانه ساخت از معاونت ارشد فرهنگی و نظارت سازمان سینمایی، به طور رسمی شروع شد و فیلمبرداری فیلم در کاشان و حوالی کاشان به‌انجام رسید.

او با اشاره به دغدغه‌هایش در ساخت این فیلم، توضیح داد: «حساسیت‌هایم در ساخت فیلم بر اساس یافته‌های تحقیقاتی‌ام و این که بتوانم از این شاعر پرآوازه تصویری درست ارائه دهم، بیشترین دغدغه من در «رویای سهراب» بود. از طرفی تلاش کردیم تا کار بازیگران فیلم (که از بین چهره‌های پرکار و شناخته‌شده انتخاب شده بودند) در مدت زمانی که برای فیلمبرداری در نظر گرفته بودیم به اتمام برسد، اما قرار داد بازیگران فیلم تمام شد و کار به دلیل حساسیت‌هایی که ذکر کردم به اتمام نرسید.

رضا کیانیان «قصر شیرین» را
برای نابینایان صوتی کرد

گروه سونینا پیس از صوتی کردن فیلم «آجره نشین‌ها» برای نابینایان، این حرکت را با اکران و صوتی کردن زنده فیلم‌های روز سینما از جمله «سرخو بست» و «آشغال‌های دوست‌داشتنی» برای این قشر ادامه داد و اجرای ویژه‌ای را نیز برای نمایش «شک‌ها و لبخندها» تدارک دید. سینمای ویژه نابینایان، روز گذشته جمعه ۲۹ شهریور در تازه‌ترین اقدام خود، به اکران «قصر شیرین» آخرین ساخته رضا میرکریمی برای نابینایان پرداخت که با حضور رضا کیانیان به صورت زنده صوتی شد. گلاره عباسی موسس سونینا در این مراسم از چهره‌های مطرح دیگری همچون رسول صدرعاملی، شبنم مقدمی و حبیب رضایی نیز میزبانی کرد. این مراسم با حضور بیش از ۳۰۰ نابینا همراه بود و رادیو سونینا نیز برای آن دسته از مخاطبانی که امکان حضور نداشتند به ویژه نابینایان شهرستانی، به پوشش مراسم پرداخت و چهره‌های مهمان آن شدند.

وقتی مردم یک «هیولا» را دوست دارند

مهرا ن مدیری، شبیه به روزهای اوج



ایمان عبدلی

«هیولا» برای مهرا ن مدیری مایه خوشوقتی است. از این جهت که پس از چندین سریال نمایشی نظیر «در حاشیه» این اولین بار است که اظهار نظر درباره کارش تماما منفی نیست و اتفاقا خیلی از نقدها سوپه مثبت دارد. انگار پیمان قاسمخانی اکتسیری دارد که در موجودیت طنزهای مدیری ترکیب موفقی از آب درمی‌آید، در هر دوره و زمان. بدیهی است که می‌توان از منظرهای متفاوت و از نظر گاه‌های گوناگون به این مجموعه نمایشی نگاه کرد، تصمیم این یادداشت‌نگاهی فهرست‌وار و دسته‌بندی شده به احتمالاً چند دلیل عمده‌ی موفقیت «هیولا» است.

یکم: راه‌های رسیدن به خدا به
تعداد آدم‌ها بست

این عنوان کنایه‌وار را احتمالاً از فیلم «مارمولک» به یاد دارید. جمله‌ای که از فرط رندانه‌گی موجود در آن به ادبیات روزمره هم راه پیدا کرد و از قضا نویسنده مارمولک هم همین پیمان قاسمخانی بوده. حالا ربط این جمله به «هیولا» چیست؟ پنهان مضمونی طنزهای سریالی مدیری بر یک اصل استوار است؛ تضاد و ایجاد موقعیت متضاد. مثلا موقعیت

یادداشت

برخی پردیس‌های سینمایی در آستانه تعطیلی است

وضع اسفبار گیشه سینماها در تابستان

آبان نامجو

وضعیت گیشه سینماها تقریباً نزدیک به افتضاح است. حالا شهریور ماه و تعدد مسافرت‌ها یا ایام محرم و مشغولیت مردم به عزاداری‌ها هر کدام از این دلایل هم که باشد این حجم کسادی سینماها را نمی‌توان توجیه کرد. در هر صورت نکته کلیدی ماجرا شاید این است که کیفیت فیلم‌های روی پرده قابل توجه نیست، مساله‌ای که به آن توجه کافی نمی‌شود و همه به دنبال پشت پرده می‌گردند. کیهان دور روز پیش در یادداشتی عامل اوضاع کساد سینماها را تحلیل کرد. کیهان نوشته بود نداشتن «باور» و مساله «هویت» در مضمون فیلم‌ها سینماها را کم‌رنگ کرده؛ بعدتر اما داده‌های دقیق‌تر و گزارش‌های آماری چیزهای بیشتری از چرایی وضع کساد سینما دادند. محمد قاصد اشرفی، رئیس انجمن سینماداران می‌گوید: متأسفانه تابستان امسال شاهد فروش ناامیدکننده وضعیف بودیم چرا که از فیلم‌ها استقبال

نشد؛ این یک خبر بد است اما ما باید واقعیت‌ها را اعلام کنیم چون وضعیت سینماها بسیار اسفبار است. قاصد اشرفی حتی از تعطیلی برخی سینماها گفت: ۲۵ شهریور ماه با مدیران پردیس‌های سینمایی جلسه‌ای در انجمن داشتیم که نگرانی‌های دوستان درباره اکران عنوان شد و برخی از آن‌ها اعلام کردند که چند سالن پردیس‌های خوبمان را به دلیل نداشتن تماشاچی تعطیل کرده‌اند. قاصد اشرفی افزود: این را هم باید بیان کنم که هزینه سینماها بسیار بالاست به طوری که این هزینه‌های جاری ما ۸،۷ برابر شده و از همین رو بحث نفروختن فیلم‌ها از یک طرف و افزایش هزینه‌های سینماها از سوی دیگر، سینماداران را با یک چالش جدی مواجه کرده است. برای مثال سیستم صوتی و تصویری، صندلی‌ها و حتی مواد شوینده هزینه‌های زیادی دارند که چند برابر شده است. این موضوعات ما را در شرایط دشوار و سختی قرار داده است.

این‌ها را ندارند، هیچ چیز ندارند و ابزوردیسم این چنین جولان می‌دهد. ایران مرد و ایران زن حالا یک راه بیشتر ندارند و آن هم خندیدن به بیچارگی خودش هست، او با هوشنگ شرافت به پستوهای «خاف» می‌رود و خودش را به استهزا می‌گیرد. مدیری فرزند زمانه خویشتن است او در دل طنزش رئالیسم سیاه کاشته.

سوم: تیپ‌ها، مردم
راه تو گره می‌زند

از نیمه‌های دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد اوج سریال‌های طنز تلویزیونی بود. در آن دوره چند چهره شاخص جولان می‌دادند، مهدی مظلومی، مهرا ن غفوربسان، رضا عطاران و همین مهرا ن مدیری. تمام آن آثار موفق و حالا دیگر خاطره‌انگیز و حسرت‌برانگیز یک وجه اشتراک داشتند؛ تیپ و تکیه کلام، تیپ‌ها و تکیه کلام‌هاشان مثل آلامی بود که در زیست زندگی روزمره و در میانه خشونت ذاتی آن علاوه بر کارکرد شادی بخشی که داشتند، فضای سریال را آلود می‌کردند. «هیولا» از افشاگری سرک بکشد و روح عصیان‌زده مردمش را راضی کند. فضاهایی که هوشنگ شرافت در آن قرار می‌گرفت تقریباً مشابه فضاهایی هست که مرد هزار چهره در آن بود و این بار اما وجوه بیشتری از افشاگری و زبان صریح‌تری از مفاسد در اشکال گوناگون را دیدیم. جامعه ایرانی از فرط مواجهه با مفاسد در اشکال گوناگون ایمان و باور و اعتماد ندارد. در واقع مردمی که

سپاهش عصر رئالیسم سیاه را فریاد می‌کند، پس چه تیزهوش آن طنزپرداز که به کچه‌هایی از افشاگری سرک بکشد و روح عصیان‌زده مردمش را راضی کند. فضاهایی که هوشنگ شرافت در آن قرار می‌گرفت تقریباً مشابه فضاهایی هست که مرد هزار چهره در آن بود و این بار اما وجوه بیشتری از افشاگری و زبان صریح‌تری از مفاسد در اشکال گوناگون را دیدیم. جامعه ایرانی از فرط مواجهه با مفاسد در اشکال گوناگون ایمان و باور و اعتماد ندارد. در واقع مردمی که

مساله تیپ و تکیه کلام حیاتی‌تر هم می‌شود و وقتی که در دوره اینستاگرام و ویدئوهای یک دقیقه‌ای زیست می‌کنیم. حالا بریده‌های یک مجموعه و یا فیلم سینمایی برنده ترین ابزار تبلیغات برای آن مجموعه هستند. چه بسا مخاطبانی که به واسطه تماشای یک دیالوگ از «داود» یا یک «خداروشکر» شنیدن از کامروا، جذب «هیولا» شدند.

مساله اسپلور اینستاگرام و فلان کانال تلگرامی را در تحلیل و توصیف کلیت ماجرا باید جدی گرفت. روتیتر این قسمت را نوشتم گره، اما حالا می‌نویسم غل و زنجیر، چون تاثیر شبکه‌های اجتماعی هم افزا هست، تاحدی که قابل اندازه‌گیری نیست.



رئیس انجمن سینماداران توضیح داد: در سینماهای مدرن بلیت سینما ۱۵ هزار تومان است، اما ما سینماهایی داریم که بلیت‌های ۸ هزار تومانی عرضه می‌کنند، با این قیمت‌ها چه می‌شود کرد؟ از سوی دیگر باید شرایط مردم را هم در نظر گرفت. این روزها سینماداران خودشان سوسپیدی را که دولت باید بدهد، تقبل می‌کنند و حتی به دولت سوسپیدی می‌دهند! برای مثال در حال حاضر

